

تأملی در اشعار تعلیمی عطار نیشابوری

محمد یاسین احمدی

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران. رایانامه: myasinahmadi@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله (۶۷-۴۷)

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

واژه‌های کلیدی: ادبیات تعلیمی اشعار عطار نیشابوری

ادبیات تعلیمی به آثاری اطلاق می‌شود که با رویکرد ادبی به بیان موضوعات فلسفی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد و هدف آن، آموزش و تربیت است. ادبیات تعلیمی، هنرمندانه و با استفاده از زبان ادبی، افراد جامعه را به کسب فضائل اخلاقی، علم‌دوستی، خداجویی و خوبی‌ها دعوت کرده و از جهالت و پستی‌ها دور می‌سازد. از این رو، هدف این پژوهش بررسی اشعار تعلیمی عطار نیشابوری می‌باشد، در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، آن بخشی از اشعار عطار که جنبه تعلیمی دارند مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های اسنادی نشان می‌دهد، عطار از آن جمله شاعران و بزرگان زبان و ادب فارسی است که در اشعار و آثار خود به مسائل تربیتی توجه داشته است و می‌توان اندیشه‌های تربیتی او را در موارد مختلف، از جمله: خداجویی، جوانمردی، صبر و بردباری، پرهیزگاری و پارسایی، پرهیز از ظلم و بیدادگری، داشتن اخلاق نیکو، کسب علم و دانش، استفاده از اندوخته‌های علمی، دوری از جهل و نادانی، و... از لابلای اشعارش دریافت نموده و از آن‌ها برای آموزش و تربیت افراد جامعه استفاده کرد؛ زیرا رسیدن به کمال انسانیت و بندگی و قرب الهی از اهداف تربیتی عطار می‌باشد.

۱. مقدمه

حمد بی‌حد مر خدای پاک را آن‌که ایمان داد مشیت خاک را
 آن‌که در آدم دمید او روح را داد از طوفان نجات او نوح را
 هست سلطانی مسلم مر ورا نیست کس را زهره چون و چرا
 (عطار، ۱۳۱۶: ۸)

آموزش مؤثر و پویا یکی از پایه‌های اساسی شکل‌گیری و تحکیم پایه‌های یک تمدن ماندگار است؛ در واقع دستیابی به اثربخشی مؤثر در نظام آموزشی استفاده و انتخاب درست روش‌های مؤثر تربیتی می‌باشد. از جمله نهادهای تأثیرگذار تربیتی، یکی هم نهاد تربیتی عرفای اسلامی است. (صفایی، یحیایی و السادات رشیدی، ۱۳۹۲: ۸۳) عرفای اسلامی توانسته‌اند از هنر و ادبیات به صورت بسیار مؤثر و مفید در تربیت افراد استفاده کنند. از زمانه‌های دور در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف هنر را به عنوان یک وسیله قوی در پرورش جسم و روح انسان می‌دانستند. در تاریخ آموزش و پرورش همواره از هنر به عنوان یک ابزار و روش جذاب استفاده شده است. صاحب نظران علوم تربیتی، امروز هم چنان استفاده از هنر را در تربیت افراد مؤثر دانسته و به این عقیده هستند که هنر می‌تواند تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شخصیت انسان داشته باشد. (مهر محمدی، ۱۳۸۱: ۹) هنر در گذشته شامل تمامی دستاورهای فکری و عملی انسان بود و تمامی فضایل و کمالات انسان را در بر می‌گرفت. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۴) از این رو، این پژوهش برآن است تا جنبه تربیتی اشعار عطار نیشابوری را با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد و بر آن بخشی از اشعار عطار پرداخته می‌شود که مسایل آموزشی در آن‌ها بازتاب یافته است و حاوی پیام‌های تربیتی می‌باشد. عطار از جمله اولیای کامل و عرفای صاحب‌دل است که در علم، عرفان و تصوف اسلامی از مشایخ مشاهیر به شمار می‌رود. نکته‌های ارزشمند تربیتی فراوانی در اشعار عطار وجود دارد که می‌توان از آموزه‌های تربیتی وی در عرصه‌های مختلف زندگی استفاده کرد. روش کار در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از میان اشعار این شاعر عارف، چند نمونه به صورت انتخابی، استخراج شده و بعد از تحلیل و توصیف، شواهد شعری متناسب با مطلب ذکر شده است.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که عطار در لابلاهای اشعارش هدف‌های تربیتی، از جمله: ترویج جوانمردی، صبر و پایداری، علم‌پروری، خداجویی، دوری از جهل و نادانی و تهذیب نفس دارد و بر آن‌ها تأکید نموده و مخاطبان خود را در این زمینه‌ها آموزش می‌دهد. از این جهت، این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های آتی است:

عطار در مورد مسائل تعلیمی و تربیتی چه فرمایشات، توصیه‌ها و اندرزهای در قالب اشعار ارائه کرده است؟

عطار با چه اهدافی اشعار تعلیمی و تربیتی سروده است؟

کدام مفاهیم تعلیمی و تربیتی در اشعار عطار بازتاب یافته است؟

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، آموزش و تربیت است. علت انتخاب عطار از میان شاعران ادب فارسی برای این پژوهش، جایگاه والای این شاعر در طرح مضامین: تربیتی، خردگرایی، علم‌پروری، پرهیز از خودخواهی، خداجویی در ذهن و زبان شاعر می‌باشد که می‌توان از مضمون و محتوای اشعارش در سراسر زندگی فردی و اجتماعی استفاده کرد و زوایای تاریک زندگی را نورانی و مُنور ساخت. اهداف پژوهش حاضر قرار ذیل است:

بررسی اندیشه‌های تعلیمی و تربیتی عطار در اشعارش؛

بررسی اهداف تعلیمی و تربیتی عطار در اشعارش؛

تشخیص، تحلیل و بازتاب مفاهیم تعلیمی و تربیتی در اشعار عطار.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در مورد آثار و اشعار عطار نیشابوری، پژوهش‌های زیادی انجام شده است. اما مطالعات نگارنده نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی با عنوان «تأملی در اشعار تعلیمی عطار نیشابوری» تا اکنون انجام نشده است. بنابراین به پژوهش‌های که با مقاله حاضر شباهت دارد اشاره می‌شود: کتاب «پرورش تفکر ممتاز از طریق برنامه درسی هنر» در سال (۱۳۸۱) از محمود مهرمحمدی؛ کتاب «زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی» در سال (۱۳۸۶) از محمد رضا شفیعی کدکنی منتشر شده است. مقاله «هنر شاعری یا شعر هنری» در سال (۱۳۸۸) از سید مهدی طباطبایی؛ مقاله «بررسی تطبیقی فلسفه تربیتی عطار نیشابوری و افلوطین» در سال (۱۳۹۱) از حکیمه السادات شریف‌زاده و همکاران؛ مقاله «تربیت غیر مستقیم مرید در حکایات عرفانی

(باتکیه بر تذکره الاولیاء عطار)» در سال (۱۳۹۲) از علی صفایی، محمد یحیایی و صفورا السادات رشیدی که به تحلیل تربیت غیر مستقیم مرید در تذکره الاولیاء عطار پرداخته‌اند؛ مقاله «پیام‌های انسان‌ساز عطار و مولانا برای بشر امروز» در سال (۱۳۹۵) از دکتر رضا اشرف‌زاده و مسعود نارویی که به پیام‌های انسان‌ساز اشعار عطار و مولانا توجه کرده‌اند؛ مقاله «تأثیرپذیری اروپا از آثار و اندیشه‌های عرفانی عطار نیشابوری» در سال (۱۳۹۷) از آزاده ذبیحی و اسماعیل آذر؛ مقاله «از وحدت عددی تا وحدت احدی تحلیل دیدگاه عطار نیشابوری در باب حقیقت توحید» در سال (۱۳۹۷) از حمیدرضا شیرعلی و ملک محمد فرخ‌زاد؛ مقاله «تحلیل ادبیات تعلیمی در انواع ادبی دیگر» در سال (۱۳۹۸) از مریم کریمیان، جواد مهربان قزل حصار و رضا اشرف‌زاده؛ مقاله «نقد حکایت شیخ صنعان عطار نیشابوری بر مبنای نظریه سیستم‌های پیچیده» در سال (۱۴۰۰) از شیرزاد طایفی و ابراهیم کریم‌زاده به نشر رسیده‌اند. فاطمه وظیفه‌دان ملاشاهی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای «فلسفه و اصطلاحات فلسفی در مصیبت‌نامه و منطق الطیر عطار» را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. تعریف تربیت

دانشمندان علوم تربیتی، تربیت را چنین تعریف کرده‌اند: «تربیت، فرآیند یا جریانی است که در آن استعدادهای بالقوه موجود پرورش و رشد می‌یابند.» (صفایی، یحیایی و السادات رشیدی، ۱۳۹۲: ۸۶) و یا «تربیت را فعالیت یا کوششی می‌دانند که در آن افراد مسن‌تر اجتماع یا آن‌هایی که بیشتر رشد کرده‌اند با افراد کم‌رشدتر برخورد می‌کنند، تا رشد بیشتری را در آن‌ها به وجود آورند و از این راه به پیشرفت زندگی انسانی کمک کنند.» (همان) آموزش و تربیت افراد جامعه همیشه یکی از اولویت‌های مورد توجه جامعه انسانی بوده است. در واقع انتخاب پیامبران^(ع) از طرف خداوند^(ج) و فرستادن آن‌ها به سوی جامعه انسانی، به هدف رسیدن آدمی به کمال انسانیت بوده است. از دیدگاه عطار پرورش و رشد تربیتی باید بر اساس مواظبت از شریعت باشد و او هدف نهایی تربیت را رسیدن به قرب الهی می‌داند. (السادات شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۶)

۲-۲. ادبیات تعلیمی

از دیرباز بخش مهمی از اندیشه و باور مردم در ادبیات تعلیمی متبلور شده و از شاهنامه فردوسی تا کنون جلوه‌های غنی از آن همراه ما بوده است. (آجودانی، ۱۴۰۱: ۵) یکی از انواع

ادبی، ادبیات تعلیمی است. آثاری که به بیان مسایل اخلاقی، مذهبی و فلسفی با رویکردی ادبی می‌پردازد، اثر تعلیمی نامیده می‌شود. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۱۱) ادبیات تعلیمی، تعلیم و تربیت افراد جامعه را هنرمندان و با استفاده از زبان ادبی انجام می‌دهد. (کریمیان، مهربان قزل حصار و اشرف‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۶۱) نیازهای روحی انسان‌ها باعث شده است که هنر و ادبیات به‌میان بیاید تا به انسان‌ها خدمت رسانی کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۴)

آثار تعلیمی دارای دو شعبه است، شعبه اول، آثار مانند: دانشنامه میسری (در پزشکی) و نصاب الصببان (در لغت) که در زمینه علوم نگارش یافته‌اند و شعبه دوم، آثاری از جمله: سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، گلستان و بوستان که رویکردی اخلاقی دارند. فرق ادبیات تعلیمی با دیگر انواع ادبی در این است که هدف آن آموزش و تربیت است. (کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۲) توجه به برجسته‌ترین مسأله جامعه انسانی، دقت در زمینه تربیت است، از این رو، همه بدبختی‌ها، خوش‌بختی‌ها، سعادت‌ها و شقاوت‌ها، پیشرفت‌ها و عقب‌مانی‌ها همه و همه به نوع تربیت افراد جامعه مربوط می‌شود. انسان موجودی است که استعداد یادگیری هر چیز را دارد، هم تباهی‌ها و هم سعادت‌مندی‌ها. (کریمیان، مهربان قزل حصار و اشرف‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۷۷) بنابراین، ادبیات تعلیمی افراد جامعه را به فضایل اخلاقی دعوت کرده و از پستی‌ها دور می‌سازد. (همان: ۱۷۸)

۲-۳. عطار نیشابوری

عطار نیشابوری، از جمله عارفان عاشق و صوفیان صاحب‌دل و از بزرگان شعر و ادب زبان فارسی است که در بین سال‌های ۵۳۰-۵۴۰ هجری در نیشابور متولد شده و در سال ۶۱۸ هجری در واقعه قتل عام لشکر کشی مغول‌ها به شهادت رسیده است. «او پس از سنایی شایسته توجه خاص است و در واقع از نخستین شاعرانی است که عرفان را به طور مبسوط به شعر بیان کرد و از پرکارترین شاعران و نویسندگان قدیم ایران است.» (ملاشاهی، ۱۴۰۲: ۲۵۶) شعر عطار نماینده برجسته و درخشانی از عرفان و حکمت اسلامی در قالب نظم است. (شیرعلی و فرخ‌زاد، ۱۳۹۷: ۷۸) تأثیر تجربه‌های عرفانی عطار در ادبیات فارسی انکار ناپذیر است و بر علاوه ادبیات فارسی، حتی در ادبیات جهان تأثیر گذار بوده است. عاملی که به این تأثیر گذاری کمک کرده، سبک ساده و مضمون اخلاقی اشعار و آثار عطار بوده است.

هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفانی، بعد از مثنوی معنوی مولوی، به پای منطق‌الطیر عطار نمی‌رسد. (ذبیحی و آذر، ۱۳۹۷: ۷۷) عطار از بزرگان تصوف و عرفان قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری به شمار می‌رود و اغلب پژوهشگران او را عارفی آسمان پرواز، سخنران توانا و عالمی چیره دست بر علوم و فنون زمان خود دانسته که در سراسر زندگی خود به هدایت

افراد جامعه همت گماشته است. از این رو، عنوان صوفی پند آموز ویژه او است. (السادات شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸) عرفان عطار ریشه در آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین دارد، در بسیاری از آثار عرفا و حکمای بزرگ اسلامی، اشاراتی به سروده‌های عطار وجود دارد. (شیرعلی و فرخ‌زاد، ۱۳۹۷: ۷۸) عطار از عارفانی است که عشق را سرلوحه خود قرار داده است، دیوان غزلیات و مثنوی‌هایش، گویای عرفان عاشقانه است. (باقرزاده خیای، آقایی زاهد و رضانی، ۱۴۰۱: ۲۸۰)

در ادب فارسی، عطار از جمله شاعرانی است که دست بالایی در مثنوی سرایی داشته و اشعار او نمونه‌های بی‌نظیری از داستان‌سرایی و مثنوی‌سرایی به حساب می‌آید. (یزدان‌پناه و کندلویی، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

۲-۴. اندیشه‌های تعلیمی عطار

ادبیات تعلیمی از قدیمی‌ترین گونه‌های ادبی است که هدف آن آموزش و راهنمایی مخاطبان می‌باشد و مشتمل بر آن بخشی از آثار ادبی می‌شود که به موضوعات دینی، اخلاقی، حکمت، مسائل اجتماعی، سیاسی، مذهبی، علمی و فرهنگی پرداخته باشد. ادبیات تعلیمی یکی از روش‌های بیان تعلیم اندیشه‌های پسندیده انسانی است. (کریمیان، مهربان قزل‌حصار و اشرف‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۶۲)

در دین مبین اسلام توصیه شده که انسان‌ها با صبر، محبت، صمیمیت، حکمت و موعظه با هم برخورد و به خوب‌ترین شیوه، گفتگو و مراوده نمایند و از گهواره تا گور در پی کسب دانش باشند. زیرا آگاهی، تحمل، محبت و مدارا با دیگران اساس ثبات و آرامش یک جامعه را تشکیل می‌دهد. قرآن‌کریم در این مورد می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» «ای پیامبر مرحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس چون امت به نادانی در باره تو بد کنند از آنان درگذر و از خدا بر آن‌ها طلب آمرزش کن و برای دل‌جویی با آن‌ها در کار جنگ مشورت نما، لیکن آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنانی که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری کند.» (آل عمران / ۱۵۹) شیوه‌های تربیت، یکی از اصلی‌ترین مباحث موجود در رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی است. علاوه بر دو رشته مذکور که به صورت مستقیم به موضوع شیوه‌های تربیت می‌پردازند، رشته‌های دیگری

نیز برای تبیین بهتر مطالب و آموزه‌های خود برای آموزندگان از مباحث تربیتی استفاده می‌کنند. (صفایی، یحیایی و السادات رشیدی، ۱۳۹۲: ۸۴)

۲-۴-۱. خداجویی

از نظر ملاصدرا کم بوده‌اند کسانی که هستی را در معنی خداوند بدانند و از کسانی که لفظ وجود گفته‌اند و مرادشان از آن، واجب تعالی می‌باشد، شیخ عطار است. (جبارپور، ۱۴۰۱: ۱۸۷)

دلا در راه حق گیر آشنایی اگر خواهی که یابی روشنایی
 چو مست خنب وحدت گشتی ای دل میندیش آن زمان تا خود کجایی
 چو ابراهیم بُت بشکن بیندیش به هر آتش که خود خواهی در آیی
 تبراً کن دل از هستی همچو عیسی به بند سوزن ای مسکین چرایی
 (عطار، ۱۳۷۶: ۶۲۶)

رسیدن به کمال بندگی و قرب خداوندی از اهداف تربیتی عطار می‌باشد. از نظر عطار انسان برای رسیدن به مقام بندگی و کمال انسانی همیشه باید پابند شریعت اسلامی باشد. (السادات شریفزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۰)

به طاعت کوش، تا دیندار گردی که بی‌دین را نزیید لاف مردی
 پرستش کن خدای جاودان را مطیع امر کن تن را و جان را
 خدا یار تو باشد در دو عالم چو مردانه درین ره می‌زنی دم
 (عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۷)

عطار مخاطبش را به پرستش و اطاعت امر خدا و دینداری دعوت می‌کند. زیرا به باور او برای انسان بی‌دین زیبنده نیست که از مروت، جوانمردی و شجاعت لاف بزند؛ مولوی نیز چنین سروده است: «پابند امر حق چو نه‌ای از وفا ملاف/ با خالقت چی کردی که با خلق او کنی؟» به این لحاظ، اگر مردانه‌وار در راه خداپرستی و جوانمردی قدم بگذاری، خداوند عزیز^(ع) یاری‌دهنده دنیا و آخرت هست. هم‌چنین از منظر عطار انسان باید همیشه به یاد خدا^(ع) باشد و با زبان، چشم، گوش، قلب، دست، پا و همه اعضا و جوارح با تمام وجود با اعماق قلب خداوند سبحان^(ع) را یاد کند و از او شاکر باشد.

باش دائم ای پسر در یاد حق گر خبر داری ز عدل و داد و حق
 زنده دار از ذکر صبح و شام را در تغافل مگذران ایام را
 یاد حق گر مونس جانت بود کی هوای کاخ و دیوانت بود
 گر زمانی غافل از رحمان شوی اندر آندم همدم شیطان شوی

مؤمنان ذکر خدا بسیار گوی
 هست مر هر عضو را ذکر دگر
 ذکر چشم از خوف حق بگریستن
 یاری هر عاجز آمد ذکر دست
 استماع قول رحمان ذکر گوش
 اشتیاق حق بود ذکر دلت
 آن‌که از جهل است دائم در گناه
 خواندن قرآن بود ذکر لسان
 شکر نعمت‌های حق می‌کن مدام
 حمد خالق بر زبان دار ای پسر
 لب مجنبن جز به ذکر کردگار
 تا بیابی در دو عالم آبروی
 هفت اعضا هست ذاکر ای پسر
 باز در آیات او نگریستن
 ذکر پا خویشان زیارت کردنست
 تا توانی روز و شب در ذکر کوش
 کوش تا این ذکر گردد حاصلت
 کی حلاوت یابد از ذکر الله
 هرکه را این نیست هست از مفلسان
 تا کند حق بر تو نعمت‌ها تمام
 عمر تا برباد ندهی سر به سر
 زانکه پاکان را همین بوده‌است کار
 (عطار، ۱۳۱۶: ۲۴)

۲-۴-۲. مخالفت با نفس اماره و پرهیزگاری و صداقت

به عقیده عطار، عاقل کسی است که بر نعمت‌های پروردگار شاکر باشد؛ بر نفس خود غالب بوده، لگام آنرا در دست داشته، حلیم و بردبار باشد و خشم خود را فرو نشاند؛ در حقیقت وی رستگار عالم است. و کسی که پیرو هواهای نفسانی شد و در انجام اعمال زشت غرق شد، -به امید اینکه خدا می‌بخشد- از جمله جاهلان و گمراهان شده، پیرو ابلیس و نفس اماره می‌شود. عطار قناعت در درویشی را سخت می‌داند، ولی از دید او، پارسایی و قناعت در حین فقر بهترین عمل است و هر انسانی که نفس سرکشش را زیر فرمان خود داشته باشد از خردمندان نیکو نام جهان می‌شود.

عاقل آن باشد که او شاکر بود
 هرکه خشم خود فرو برد ای جوان
 آن بود ابله ترین مردمان
 وانگهی پندارد آن تاریک رای
 گرچه درویشی بود سخت ای پسر
 هرکه او را نفس سرکش رام شد
 در ریاضت نفس را ده کوشمال
 وانگهی بر نفس خود قادر بود
 باشد او از رستگاران جهان
 کز پی نفس و هوا باشد دوان
 خواهد آمرزیدنش آخر خدای
 هم ز درویشی نباشد خوب تر
 از خردمندان نیکو نام شد
 تا نیندازد ترا اندر ضلال
 (عطار، ۱۳۱۶: ۱۰)

عطار به عنوان یکی از عرفای بزرگ اسلام، مخاطب خود را از شیفتگی به امور مادی دنیا باز می‌دارد، تأمل در شعر او میل به پرواز معنوی را در انسان فعال می‌کند و او را از دلبستگی به امور دنیا رها می‌کند. (اشرف‌زاده و ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۵۲) به باور عطار برای هرانسان و کسی که ادعای جوان‌مردی دارد، لازم است که از بند نفس اماره آزاد بوده، طریق پاک‌دامنی، پارسایی، تواضع و ریاضت کشی را در پیش گیرد؛ زیرا انسان‌های کینه‌دل، متکبر، بدچشم، فاجر و فاسق از گاو و خر پست‌تر هستند و در واقع سرانجام نامیمون در انتظارشان است.

ز بند نفس بد، آزاد بودن	همیشه پاک باید چشم و دامن
طریق پارسایی ورز مادام	که نیکو نیست فاسق را سرانجام
درون را پاک دار از کین مردم	که کین داری نشد آیین مردم
دماغ از کبر خالی دار پیوست	ز شیطانی چه گیری عذر بر دست؟
تواضع کن، تواضع، بر خلاق	تکبر جز خدا را نیست لایق
ریاضت کش، که مرد نفس‌پرور	بود از گاو و خر بسیار کمتر
به چشم شهوت اندر دوست منگر	که دشمن کام گردی، ای برادر

(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۷)

نفس اماره، عامل خودخواهی و گمراهی انسان از راه راست می‌شود. عطار برای انسان‌ها پیامی دارد که نفس کافر خود را نابود کن! زیرا مسلمان شدنی نیست و در صورت پیروی از آن، انسان را از حیوان پست‌تر می‌سازد. (اشرف‌زاده ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)

خریست این نفس، خر را بنده بودن کجا باشد نشان زنده بودن

(عطار، ۱۳۶۱: ۶۱)

عطار، راه نجات از نفس سرکش را زیر پا کردن هواهای نفسانی می‌داند؛ زیرا که زهر قاتل برای بعضی دردها درمان است. در این مورد ضرب المثلی است که می‌گویند: «درد بد دوا بد»

درد دلت را دوا کشتن نفس‌است و بس زانکه بسی درد را زهر بود سودمند

(عطار، ۱۳۶۸: ۷۵۸)

اندیشه‌های عطار همچون دریایی از معرفت است که هر انسانی می‌تواند از دریای مفاهیم بلند و عرفانی او، گل‌های هدایت و معنویت را بچیند و مسیر زندگی خود را به سوی سعادت تغییر دهد. (اشرف‌زاده ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)

نخستین، راستی را پیشه کردن	چو نیکان از بدی اندیشه کردن
زبان و دل یکی کن با همه کس	چنان کز پیش باشی، باش از پس

مکن چیزی، که دیدن را نشاید اگر گویی شنیدن را نشاید
(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۷)

از منظر عطار انسان در نخستین گام باید، راستی و صداقت را سر لوحه زندگی خود قرار دهد و همانند نیکان از بدی پرهیز کند. در این مورد اوحدی نیز می‌سراید: «راستی کن که راستان رستند / در جهان راستان قوی دستند» و در قدم دوم، زبان و دلش را یکی کرده، صادق باشد و از دو رویی اجتناب کند و با همه افراد جامعه رو راست باشد؛ همان‌طوری که در حضور مردم رفتار و گفتار دارد، در غیاب آنها هم همانند آن بوده و انسان دو رو نباشد؛ در قدم سوم، آن کار زشت و ناپسندی که قابل دیدن و شنیدن نیست و باعث شرمندگی و خجالت می‌شود، هرگز انجام ندهد.

۲-۴-۳. جوان‌مردی

عطار به هدف رمز‌گشایی و توصیف جوان‌مردی و انسانیت به مخاطبش چنین می‌گوید: ای انسان هوشمند و درست‌کردار، آگاه باش و بدان که اگر می‌خواهی دردنیای جوان‌مردی، حمیت و انسانیت اجازه ورود بدهندت و تاج سروری بر سرت بگذارند، باید خود را با دنیای جوان‌مردی که هفتاد و دو شرط دارد، آماده ساخته و همه آن اوصاف را کسب کن که از جمله: راستی و صداقت و پرهیز از بدی، دوست داشتن همه، نگاه انسانی و احترام به همه به صورت یکسان، پاک‌دامن بودن و نگاه پاک داشتن، بخشندگی به دوست و دشمن، چیزی را که به خود می‌پسندی به دیگران هم بپسند، نیکی کردن با همه حتی با کسی که با تو بد کرده است، پرهیز از بد زبانی، با وجود داشتن زور بازو و قدرت خودخواهی نکردن و خود را ضعیف‌تر از مورچه دانستن، خاکی بودن، پرهیز از خشم و غضب، با مردم با خوش‌رویی برخورد داشتن، با سخاوت بوده دل و دست گشاده داشتن و...

بگویم با تو رمزی چند ز اسرار	الا! ای هوشمند خوب کردار
کلاه سروری بر سر نهندت	که تا در راه مردان ره دهندت
که از مردی زدندی در میان دم	چنین گفتند پیران مقدم
یکی زان شرطها باشد مروت	که: هفتاد و دو شد شرط فتوت
بیخشاید دلش بر دوست و دشمن	کسی، کو را جوانمردیست در تن
اگر خواهی به‌خود، نبود زیانت	به‌هرکس خواستی می‌باید آنت
تو نیکی کن، اگر هستی جوانمرد	مکن بد با کسی کو با تو بد کرد
که بینی خویشتن را کمتر از مور	ترا آنگه به آید مردی و زور

بده نان، تا برآید نامت، ای دوست چه خوشتر در جهان از نام نیکوست؟
(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۶)

۲-۴-۴. صبر و قناعت

گرفتاری‌های زندگی سنت الهی است که خداوند^(ع) با آن انسان را در ناکامی‌ها و سختی‌ها قرار می‌دهد تا تحمل، استقامت و ایمان او را بیازماید. ابتلا و گرفتاری‌های انبیاء^(ع) و اولیای الهی مبین این است که خداوند^(ع) بنده خاص خود را بیشتر گرفتار سخی‌ها می‌کند. عطار نیز به این باور است که خدا^(ع) بنده مؤمن خود را امتحان می‌کند و اگر بنده محب واقعی خدا^(ع) باشد از هیچ چیز هراس ندارد و باور دارد که هر بلا، نعمتی با خود دارد. (طایفی و کریم‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۸) از ویژگی‌های انسان باایمان و باهمت این است که در وقت سختی‌ها و گرفتاری‌ها صبور است و در زمان رفاه و ناز و نعمت شکرگزار خدای منان^(ع) می‌باشد. به عقیده عطار درمان رنج‌ها و گرفتاری صبر و استقامت است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ای اهل ایمان از صبر و نماز برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی‌ها و رسیدن به رحمت حق کمک بخواهید، زیرا خدا با صابران است.» (بقره/۱۵۳)

چو سختی پیشت آید کن صبوری در آن حالت مکن از صبر دوری
به‌نعمت در، همی کن شکر یزدان چو محنت در رسد صبرست درمان
(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۹)

صبر راز موفقیت در زندگی است؛ عطار منادی فروتنی، سکوت و خدانشناسی است و شکیبایی را موجب سر بلندی انسان‌ها در محضر حق تعالی و نیک‌نامی آن‌ها در جامعه می‌داند. (اشرف‌زاده و ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

صبوری پیشه کن اینک طریقت خموشی پیشه گیر اینک حقیقت
ز خاموشی است بر دست شهان باز که بلبل در قفس ماند ز آواز
(عطار، ۱۳۶۱: ۱۷۹)

مفهوم صبر، در بینش عطار نیز برای ساختن انسان، نقش بنیادی و اساسی دارد و انسان را از تنگنای هستی محدودش رها کرده و در هستی حق پیوند می‌زند. عطار انسان معاصر و بشر کم‌حوصله امروز را به استقامت در برابر رنج‌ها و سختی‌ها، دعوت می‌کند تا به گنجینه معرفت حق برسد. (اشرف‌زاده و ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۵۰)

فروتن شو خموشی گیر پیشه درین هردو صبوری کن همیشه
ترا می‌صبر باید کرد حاصل که گفت الصبر مفتاح قلائل

صبوری کن ز حق اندیش پیوست که با حق باشی و با خویش پیوست
(عطار، ۱۳۶۱: ۱۸۱)

صبر و بردباری از ویژگی‌های انسان‌های باهمت می‌باشد؛ تواضع، بردباری، رازداری و نرم-گفتاری در واقع صفت جوان‌مردی است؛ نه احساساتی بودن و ستیزه‌جویی. از دید عطار، انسان باید راز دل خود را به هرکسی نگوید، زیرا در دنیا محرم راز نادر است.

فتوت ای برادر، بردباریست نه گرمی ستیزه، بلکه زاریست
سخن نرم و لطیف و تازه می‌گوی نه بیرون از حد و اندازه می‌گوی
مگو راز دلت با هرکسی باز که در دنیا نیابی محرم راز
(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۷)

آگاهی و شکیبایی روشن کننده قلب‌های تاریک است، برعکس حرص، کینه و دشمنی زهر کشنده است که انسان را در پرتگاه نابودی می‌کشانند.

صبر و علم و حلم تریاق دلدند حرص و بغض و کینه زهر قاتلند
(عطار، ۱۳۱۶: ۳۵)

انسان خردمند، در تمام امور شکرگزار بوده و اعتماد به نفس دارد؛ به داشته‌های خود قناعت دارد و به آنچه که خداوند (ج) لایق و سزاوار دانسته است راضی می‌باشد. از دیدگاه عطار هرچند فقر و تنگ‌دستی تلخ و طاقت‌فرسا است، ولی راضی بودن به رضای خدا باعث برآوردن شدن حاجات انسان از طرف خدا می‌شود؛ زیرا ضرب المثلی است که گفته‌اند: «شکر نعمت نعمت افزون کند.»

با قناعت ساز دایم ای پسر گرچه هیچ از فقر نبود تلخ تر
هرکه با اندک ز حق راضی شود حاجت او را خدا قاضی شود
(عطار، ۱۳۱۶: ۴۷)

۲-۴-۵. اخلاق نیکو

به عقیده عطار، چهار اصل نشانه بزرگی و آگاهی انسان اصیل است که عبارتند از: علم پروری، خوش رفتاری با افراد جامعه، محبت و دلجویی از دوستان و دوری از دشمن بدخواه که اگر انسان آنها را رعایت کند، در دنیا و آخرت کامگار و رستگاری می‌گردد.

چارچیز آمد بزرگی را دلیل هرکه این دارد بود مرد جلیل
علم را اعزاز کردن بی حساب خلق را دادن جواب با صواب
هرکه دارد دانش و عقل و تمیز اهل علم و حلم را دارد عزیز
دیگر آن باشد که جوید وصل دوست زآنکه از دشمن حذر کردن نکوست

ای برادر گر خرد داری تمام نرم و شیرین گوی با مردم کلام
هرکه باشد تلخ گوی و ترش روی دوستان از وی بگردانند روی
هرکه از دشمن نباشد بر حذر عاقبت بیند از و رنج و ضرر
(عطار، ۱۳۱۶: ۱۳)

عطار گفتار نرم و شیرین کلامی را از کمال خرد آدمی دانسته توصیه می‌کند که خردمند کسی است که با گفتار حکیمانه خویش مردم را گرویده اخلاق پسندیده خود می‌سازد؛ در مقابل از اخلاق ناپسند که سبب رنجش افراد جامعه می‌شود پرهیز می‌کند. تساهل و مدارا با دیگران یکی از دلایل زیربنای فرهنگ روابط انسانی در ثبات و آرامش جامعه و از ضروریات روش عرفان عطار است. (اشرف‌زاده و نارویی، ۱۳۹۵: ۱۴۹) عطار باور دارد که انسانیت و جوان‌مردی با افراد جامعه باعث خوش‌نامی و جاویدانگی انسان شده، و کسانی که می‌خواهند نام‌شان در زمره جوان‌مردان نیکونام در حافظه تاریخ و ذهن تاریخی نسل‌ها ثبت و ضبط شود؛ باید با افراد جامعه مروت و مردانگی داشته باشد و نام هیچ‌کس را جز با نکویی یاد نکند. مولانا نیز در این مورد می‌گوید: «این جهان کوه است و فعل ما ندا / سوی ما آید نداها را صدا» هم‌چنین گفته‌اند: «گندم از گندم بروید جو ز جو» در این جهان هر چیزی که کشت کنی، همان را درو می‌کنی.

مروت کن تو با اهل زمانه که تا نامت بمانت جاویدانه
میر نام کسی جز با نکویی اگر اندر فتوت نام جویی
(عطار، ۱۳۵۹: ۶۶۷)

۲-۴-۶. کسب دانش و استفاده از اندوخته‌های علمی در زندگی

معرفت، ادراک پدیده‌ها و حقایق و علل اشیاء از طریق عقل، (سخن) علم نزد حکما مشا شامل شک و هم و یقین می‌شود (ملاشاهی، ۱۴۰۲: ۲۶۴) عطار عقیده دارد که شرف زاده علم است، هرچه علم بیشتر، شرف افزون‌تر و عزتی بهتر از دانش نیست. علم و عمل یکی از ممیزات اصلی انسان و حیوان است. به وسیله علم آدمی، انسان مطلق می‌شود؛ سعادت در علم و عمل نهفته است، انسان به وسیله آن جاده ترقی، سعادت و رفاه را طی کرده و به سرمنزل مقصود می‌رسد. علم و دانش است که روح و ذهن انسان را روشن ساخته، وجود او را به گلستان مبدل می‌کند، بدیهی است که همه از دیدن گلستان لذت می‌برند؛ همین‌طور انسان دانشمند و خردمند با انجام فعالیت‌های علمی، همه زوایای تاریک زندگی خود و افراد جامعه را روشن ساخته و در رفع نیازهای زندگی مفید واقع می‌شود و این خود سبب شور و نشاط برای همه است. به باور عطار آراسته شدن به زیور علم و اجرای آموخته‌های علمی در زندگی که توأم با

اخلاص و صداقت باشد، باعث شکست و اندوه شیطان - که دشمن قسم خورده انسان است - شده و هم‌چنین در روز محشر که روز حساب و کتاب است، سبب رستگاری می‌شود.

شرف از علم حاصل کن تو جانا	عزیز آمد همیشه مرد دانا
نباشد هیچ عزت به ز دانش	نباید بد دمی غافل ز دانش
شرف خواهی تو علم آموز دایم	درین اندیشه خود را سوز دایم
که تا جانت شود روشن ز دانش	وجود تو شود گلشن ز دانش
به علم است آدمی انسان مطلق	چو علمش نیست شد حیوان مطلق
ولی علم تو باید با عمل یار	که تا شاخ امیدت آورد بار
چو علمت با عمل انباز گردد	همه کار تو برگ و ساز گردد
چو علمت بی‌عمل باشد سفیهی	چو با علمت عمل باشد فقیهی
هدایت را به علم اندر عمل دان	ازو یابی تو نزدیکی به یزدان
مقصر در عمل مهجور باشد	مدام از حضرت حق دور باشد
عمل بی‌علم خود سودی ندارد	چو بیماری که بهبودی ندارد
چو بی‌علمت بود اعمال میدان	بود راضی و خوشحال از تو شیطان
عمل با علم و با اخلاص باید	که در محشر ازو کاری براید
عمل با علم و با اخلاص چون شد	ز نورش زهره شیطان به خون شد

(عطار، ۱۳۶۲: ۱۸۹)

ای جوان! از اهل علم دوری مجوی زیرا دامن آنها خالی از گنج نیست؛ این گروه ترا به راه فلاح و کامیابی سوق می‌دهد و از برکت آنها راه‌یاب شده، از آتش سوزان دوزخ رهایی پیدا می‌کنی و همیشه پاک و باطهارت بوده، از عیب جویی و بدگویی دیگران پرهیز کن و از عذاب گور و عالم برزخ برحذر باش.

ای پسر مگریز از اهل علوم	تا نسوزد مر ترا نار سموم
تا توانی هیچ‌کس را بد مگوی	پیش مردم عیب هرکس را مجوی
با طهارت باش و پاکی پیشه کن	وز عذاب گور نیز اندیشه کن

(عطار، ۱۳۱۶: ۴۶)

انسان زمانی که از دانش و پارسایی آگاهی حاصل کرد، باید اعمالش خدا پسند باشد؛ در تمام امور زندگی، خشنودی خداوند را در نظر داشته باشد. عالم بی‌عمل زنبور بی‌عسل است. زمانی که دانش و پرهیزگاری و پاک‌نفسی، با عمل یکجا شد آن وقت است که انسان در عمل خویش اخلاص‌مند می‌شود و ایمان و باورهایش خلل ناپذیر می‌گردد.

در ورع ثابت قدم باش ای پسر
خانه دین گردد آباد از ورع
هر که از علم و ورع گیرد سبق
چون ورع شد یار با علم و عمل
گر همی خواهی که گردی معتبر
لیک می‌گردد خرابی از طمع
دور باید بودنش از غیر حق
حسن اخلاص ترا ناید خلل
(عطار، ۱۳۱۶: ۴۲)

۲-۴-۷. استفاده بهینه از زمان و فرصت

عطار توصیه می‌کند، انسان زمانی که فرصت مناسب بدست آورد و محضر استادان دانشمند را درک کرد، باید سعی کند به جسم و جان خود رنج کسب علم و دانش و اصول علمی را تحمیل کند، تا از این طریق چراغ دل و ذهن خود را فروزان سازد.

بگوش هوش بشنو این سخن را
فدای این سخن کن جان و تن را
چو فرصت هست کاری بیشتر بود
پشیمانی گر آید کی کند سود
چراغ دل ز شمع جان برافروز
اصول علم استادان بیاموز
به جان گر خدمت استاد کردی
ز خدمت برخورداری استاد گردی
(عطار، ۱۳۶۲: ۸۸)

این سخن عطار را به گوش باطن و از دل و جان بشنود و در اجرای آن تا سرحد فداکاری سعی کند و فرصت را غنیمت شمرده از وقت و زمان به خوبی و به وجه احسن استفاده کند و گرنه فرصت می‌گذرد و پشیمانی سود ندارد.

۲-۴-۸. دوری از جهل و نادانی و غفلت

جهل ضد علم است. عطار آشنایی و علم داشتن به راه عشق و عرفان و مراحل سلوک را لازمه گام نهادن در این راه می‌داند. (ملاشاهی، ۱۴۰۲: ۲۶۱) عطار تلاش انسان برای رسیدن به درجات عالی را مفید می‌داند و در اشعارش می‌توان از نکات مفیدی برای مقابله با بحران‌ها و مشکلات شخصی استفاده کرد. (اشرف‌زاده و ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۵۴)

در واقع یادگیری نتیجه تقلید از رفتار مدل یا سرمشق، و در نتیجه تقلید از اعمال انتخابی حاصل می‌شود. (صفایی، یحیایی و السادات رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۳) از این رو، هم‌نشینی با بی‌خردان تأثیر سوء برای افراد سالم به دنبال دارد. به باور عطار انسان بی‌عقل و نادان نمی‌تواند از علم به صورت مفید استفاده نماید و هم‌نشینی با آن‌ها باعث گمراهی انسان می‌گردد. زیرا گفته‌اند: «تعلیمی بدون تربیت سلاح به‌دست دشمن و چراغ به‌دست دزد است.» دانش بی‌خرد

مانند مرغ بی‌بال است که هیچ‌گاهی نمی‌تواند پرواز کند و نمی‌تواند خود را به منزل مقصود برساند. علم و عقل، لازم و ملزوم یک‌دیگرند.

چار چیز از چار دیگر شد تمام	چون شنیدی یاد می‌دار ای غلام
دانش مرد از خرد گیرد کمال	از عمل دینت همی‌یابد جمال
دینت از پرهیز کامل می‌شود	نعمت از شکر شامل می‌شود
شکر نعمت را کمالی می‌دهد	غافلان را گوشمالی می‌دهد
علم را بی‌عقل نتوان کار بست	پیش بی‌عقلان نمی‌باید نشست
بی‌خرد دانش و بال است ای پسر	علم مرغ و عقل بال است ای پسر
هرکه علمی دارد و نبود بران	از طریق عقل باشد بر کران

(عطار، ۱۳۱۶: ۲۹)

عطار خود را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: ای دل غافل! برای خور و خواب و تن‌پروی، مثل بهائم و ستوران، هست نشده‌ای، ؛ بلکه برای عبادت و بندگی و رسیدن به نور هدایت و قرب الهی به دنیا آمده‌ای. از این رو، زود باش از خواب غفلت و از هر دل‌بستگی‌های کم و بیش دنیایی که داری بگذر و مشغول ناله‌های سحری شده، با اشک خون ریختن از دیده، سجده‌گاه را گلگون بساز و هرگز فکر نکن که در این دنیای فانی، جاویدان خواهی بود.

بیدار گرد ای دل غافل که در جهان	هم‌چون خران نیامده‌ای بهر خواب و خور
تو خفته‌ای ز جهل و مرا هست صبر آنک	تا خلق روز حشر شود گرد تو حشر
کو صد هزار گونه زبان ذره ذره را	تا بر دریغ کار تو باشند نوحه‌گر
بر خیز زود و هرچه ترا هست بیش و کم	بر باد ده چو خاک به یک ناله سحر
گل کن ز خون دیده همه خاک سجده‌گاه	زان پیش کز گل تو همی بردم خضر
خواهی که ره بری تو به نوری که اصل اوست	رو گرد عجز گرد که عجزست راهبر
چیزی که صد هزار ملک غرق نور اوست	آخر بدان چگونه رسد قوت بشر
پنداشتی که ناگذرانی تو در جهان	پندار تو بس است عذاب تو ای پسر

(عطار، ۱۳۶۸: ۷۶۹)

۲-۴-۹. پرهیز از ظلم و بیداری و دوری از خشم

عادل بودن و دانایی، نشانه‌های کمال انسان است، سعادت و خوشبختی در گروی شکیبایی است و اگر می‌خواهی از حرمت برخوردار باشی دیگران را محترم بشمار. عطار افراد جامعه را از احساسات منفی، زخم زبان‌ها و قضاوت‌های نادرست که سبب نزاع و کدورت می‌شود، به مهرورزی و محبت دعوت می‌کند.

در همه کس نیک باشد چار چیز با تو گویم یادگیرش ای عزیز
 اول آن باشد که باشی داد گر هم ز عقل خویش باشی باخبر
 با شکیبائی تقرب کردنت حرمت مردم بجا آوردنت
 هرکه را بسیار باشد دشمنش خیره گردد هردو چشم روشنش
 (عطار، ۱۳۶۲: ۲۵)

برای انسان لازم است که با کمک علم و دانایی آتش خشم خود را فرونشاند و نباید از روی خشم و بیدادگری بر دیگران ظلم و بی‌عدالتی کند.

بیا ای باز تند و تیز پرواز مشو غره به‌جاه و عزت و ناز
 زمن بشنو تو ای صیاد خون ریز که از تندی و خون ریزی بیرهیز
 ازین پس هیچ‌کس نازار و خوش باش غم دنیا مخور دیندار و خوش باش
 به‌ناحق خون چندین صید کردی تو روز عاقبت هم صید کردی
 بیندیش از جفای چرخ گردون که تو روزی شوی هم خوار و محزون
 اگر مرد رهی موری میازار که موری اندرین ره نیست بی‌کار
 به آب علم بنشان آتش خشم منه تیر جفا بر ترکش خشم
 (عطار، ۱۳۶۲: ۸۳)

به باور عطار، انسان عاقل آن است که اعمال زشت را ناپسند دانسته و از آن پرهیز نماید؛ اگر زمانی به قدرت برسد بر زیر دستان خود ظلم را روا نمی‌دارد و هر آنچه که وعده می‌دهد آن را انجام می‌دهد و اعمالی را که شریعت منع فرموده است، از آن دوری می‌گزیند. عطار تلاش دارد تا ارتباط انسان را با خداوند و جهان به وجه احسن برقرار نماید. خودآگاهی از دید او برای درک زندگی بهتر ضروری است. (اشرف‌زاده و ناروئی، ۱۳۹۵: ۱۴۷)

عقل داری میل بدکاری مکن زین چو بگذشتی سبک‌باری مکن
 هرکه را از حلم دل روشن بود در زمانه با صلاح تن بود
 تا شوی بیش از همه در روزگار دست بر نان و نمک بگشاده دار
 تا تو باشی در زمانه دادگر زیر دستان را نکودار ای پسر
 هر چه باشد در شریعت ناپسند گرد او هرگز مگرد ای هوشمند
 (عطار، ۱۳۱۶: ۲۳)

۳. نتیجه گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که عطار یکی از شاعران عارف، خداجو، اندیشمند و آگاه به امور جامعه انسانی بوده که اشعارش مملو از مفاهیم اخلاقی، تعلیمی، تربیتی، عرفانی و دینی می‌باشد. وی اندیشه‌های تربیتی و اندرزهای خردمندانه خویش را برای همه افراد جامعه انسانی در قالب اشعار زیبا و جذاب در زمینه‌های: علم پروری، اجرای اندوخته‌های علمی در زندگی، فرونشاندن خشم، دوری جستن از جاهلان، پرهیز از خودخواهی و تکبر، داشتن مروت و جوان‌مردی و پرهیز از ظلم و بیدادگری ارائه کرده است. عطار در قامت یک مربی اندیشمند، بهترین روش را برای تربیت افراد جامعه به کار برده است. همه افراد جامعه انسانی می‌توانند از اندیشه‌های تربیتی و اندرزهای خردمندانه این شاعر عارف مستفیض شوند. رسیدن به کمال بندگی و قرب خداوندی از اهداف تربیتی عطار می‌باشد. از نظر عطار انسان برای رسیدن به مقام بندگی و کمال انسانی همیشه باید پابند شریعت اسلامی باشد. از این رو، ایجاب می‌کند که پیام‌های انسان‌ساز و نظریه‌های تربیتی این شاعر عارف و صوفی بزرگوار در زندگی افراد جامعه عملی و اجرا شود. عطار با تأثیر پذیری از آموزه‌های اسلامی و عرفانی در قدم اول این توصیه‌ها را در زندگی خود عملی نموده و بعد از آن افراد جامعه و همه را به صبر، محبت، حکمت، سعی و تلاش در کسب علم و دانش و اجرای آن در زندگی، ترغیت کرده است.

کتابشناسی

قرآن کریم

- آجودانی، شکوفه (۱۴۰۱)، «پیری و جوانی در شاهنامه فردوسی»، پژوهش‌های نوین ادبی، سال اول، شماره دوم، صص ۲۴-۱
- اشرف‌زاده، رضا و نارویی، مسعود (۱۳۹۵)، «پیام‌های انسان ساز عرفان عطار و مولانا برای بشر امروز»، زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۲، صص ۱۶۱-۱۴۳
- السادات شریف‌زاده، حکیمه و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی فلسفه تربیتی عطار نیشابوری و افلوطین»، مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۳، صص ۸۰-۴۷
- باقرزاده خیای، فاطمه و همکاران (۱۴۰۱)، «تقابل عرفان زاهدانه و عاشقانه در تذکره الاولیای عطار نیشابوری»، عرفان اسلامی، شماره ۷۱، صص ۳۹۴-۳۷۵
- جبارپور، سمیه (۱۴۰۱)، «فردوسی و شاهنامه در متون منشور عرفانی»، پژوهش‌های نوین ادبی، سال اول، شماره دوم، صص ۲۰۷-۱۶۹
- ذبیحی، آزاده و آذر، اسماعیل (۱۳۹۷)، «تأثیرپذیری اروپا از آثار و اندیشه‌های عرفانی عطار نیشابوری»، پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۳۹، صص ۱۰۰-۷۳
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)، زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، انواع ادبی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- شیرعلی، حمیدرضا و فرخ‌زاد، ملک محمد (۱۳۹۷)، «از وحدت عددی تا وحدت احدی تحلیل دیدگاه عطار نیشابوری در باب حقیقت توحید»، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۶، صص ۹۶-۷۷
- صفایی، علی؛ یحیایی، محمد و السادات رشیدی، صفورا (۱۳۹۲)، «تربیت غیر مستقیم مرید در حکایات عرفانی (با تکیه بر تذکره الاولیاء عطار)»، مطالعات عرفانی، ۹، صص ۱۱۲-۸۳
- طایفی، شیرزاد و کریم‌زاده، ابراهیم (۱۴۰۰)، «نقد حکایت شیخ صنعان عطار نیشابوری بر مبنای نظریه سیستم‌های پیچیده»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۵۲، صص ۵۱-۳۳
- طباطبایی، سیدمهدی (۱۳۸۸)، «هنر شاعری یا شعر هنری (نگاهی به پیوند ادبیات و هنر در اشعار نظامی گنجوی)»، زبان و ادب پارسی، شماره ۴۰، صص ۷۸-۶۳

- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۱۶)، *پندنامه*، به اهتمام تقی حاتمی، تهران: اسلامیه.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۵۹)، *دیوان عطار*، با حواشی و تعلیقات محمود درویش، چاپ دوم، تهران: جاویدان.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۶۱)، *اسرارنامه*، به اهتمام سید صادق گوهرین، چاپ دوم، تهران: زوار.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۶۲)، *اسرارنامه و بی‌سرنامه*، به اهتمام احمد خوشنویس «عماد»، تهران: سنائی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۶۸)، *دیوان عطار*، به اهتمام تقی تفضلی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۷۶)، *دیوان عطار*، به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران: نخستین.
- کریمیان، مریم؛ مهربان قزل‌حصار، جواد و اشرف‌زاده، رضا (۱۳۹۸)، «تحلیل ادبیات تعلیمی در انواع ادبی دیگر»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، ۱۱ (۴۲)، صص ۲۰۴-۱۶۱
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱)، *پرورش تفکر ممتاز از طریق برنامه درسی هنر*، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- وظیفه‌دان ملاشاهی، فاطمه (۱۴۰۲)، «فلسفه و اصطلاحات فلسفی در مصیبت‌نامه و منطق‌الطیر عطار»، *پژوهش‌های نوین ادبی*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۵۵-۱۶۹
- یزدان‌پناه، مهرعلی و کندلویی، فاطمه (۱۳۸۹)، «سیمای حضرت سلیمان^(ع) در منظومه‌های عطار نیشابوری»، *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶، صص ۹۷-۱۲۲

A reflection on the didactic poems of Attar Nishaburi

Mohammad Yasin Ahmadi

۱. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Iran. Email: myasinahmadi@gmail.com

Article Info (۴۷-۶۷)

ABSTRACT

Article type: Educational literature refers to works that express philosophical, religious, moral and social issues with a literary approach, and its purpose is education. Educational literature uses literary language in an artistic way to educate people in the society and invites them to acquire moral virtues, love of knowledge, seeking God and benevolence, and keeps them away from ignorance and meanness.

Research Article

Article history: Therefore, the purpose of this research is to examine the didactic poems of Attar Nishaburi. In this research, a part of Attar's poems, which has a didactic aspect, was analyzed with a descriptive-analytical method. Documentary findings show that Attar is one of the poets and professors of Persian language and literature who has addressed educational issues in his poems and works. His educational ideas in various cases such as: seeking God, chivalry, patience and tolerance, piety, avoiding greed and violence, having good morals, acquiring knowledge, using scientific resources, avoiding ignorance and ignorance, etc. You can see it in his poems. and used them to educate people in society. Because reaching the perfection of humanity, servitude and closeness to God is one of Attar's educational goals.

Received: ۲۲/۰۵/۲۰۲۴

Accepted: ۰۱/۰۹/۲۰۲۴

Keywords: Didactic literature
Poems
Attar Nishaburi
